

ابلیس پرسید: «از چه راه؟»

گفت: «فرزندان آدم را با وعده‌ها و آرزوها آلوده به گناه می‌کنم، و هنگامی که مرتکب گناهی شدند یاد خدا و بازگشت به سوی او را از خاطر آن‌ها می‌برم».

ابلیس گفت: «راه همین است، و این ماموریت را تا پایان دنیا بر عهده او گذاشت!».

روشن است که فراموشکاری نتیجه سهل‌انگاری و وسوسه‌های شیطانی است، و تنها کسانی گرفتار آن می‌شوند که خود را در برابر او تسلیم کنند، ولی مردان بیدار و با ایمان به‌طور کامل مراقبند که هر گاه خطایی از آن‌ها سر زد در نخستین فرصت آثار آن را با آب توبه و استغفار از دل و جان خود بشویند.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود:

«شیطان، همواره گناهان را برای انسان زینت و جلوه می‌دهد تا بر او تسلط یابد و انسان را در انتظار توبه نگه می‌دارد که آن را تأخیر اندازد و تا زمان فرا رسیدن مرگ از آن غفلت نماید».

به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای شیطان این است که انسان را وسوسه کند تا توبه را به تأخیر بیندازد و با خود بیندیشد که هنوز وقت هست و فعلاً از لذت و آثار دنیایی گناه بهره ببرم، بعد توبه خواهم کرد. این تفکر باعث می‌شود تا فرد با تکرار گناه، مصداق اصرار بر گناه گردد و با گناهان پی در پی باعث شود تا قلب چنان زنگار بگیرد که آیات الهی را تکذیب کند.

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«هر گاه مرد گناهی کند، در دلش نقطه سیاهی بر آید، پس اگر توبه کند، محو شود، و اگر بر گناه بیفزاید، آن سیاهی افزایش یابد تا بر دلش غالب شود، سپس هرگز رستگار نشود».

همچنین در آیه سوره روم می‌خوانیم:

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَاءُوا السُّوْءُ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ -

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند!

بسم الله الرحمن الرحيم

تأخیر توبه؛ راهکار شیطان

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ
وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ

(متقین کسانی هستند که) وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند؛ و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟ و بر گناه، اصرار نمی‌ورزند، با این که می‌دانند. (آل عمران/۱۳۵)
(انس با قرآن:)

شکایت پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم از امت به دلیل مہجوریت قرآن

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان/۳۰)

پیامبر (در روز قیامت از روی شکایت) می‌گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند.

نکات

۱- «هجر»، جدایی با عمل، بدن، زبان و قلب را شامل می‌شود.

۲- رابطه‌ی میان انسان و کتاب آسمانی، باید دائمی و در تمام زمینه‌ها باشد، زیرا کلمه‌ی «هجر» در جایی به کار می‌رود که میان انسان و آن چیز رابطه باشد. بنابراین باید تلاشی همه جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مہجوریت در آوریم و آن را در همه‌ی ابعاد زندگی، محور علمی و عملی خود قرار دهیم تا رضایت پیامبر عزیز اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم را جلب کنیم.

۳- نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر قرآن، محور قرار ندادن آن، تدبّر نکردن در آن، تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن، از مصادیق مہجور کردن قرآن است. حتی کسی که قرآن را فرا گیرد ولی آن را کنار گذارد و به آن نگاه نکند و تعهدی نداشته باشد، او نیز قرآن را مہجور کرده است.

واژگان: فَاحِشَةً: از ماده فحش و فحشاء به معنی هر عمل بسیار زشت است و انحصار به اعمال منافی عفت ندارد زیرا در اصل به معنی «تجاوز از حد» است که هر گناهی را شامل می‌شود.
اسْتَغْفَرُوا: طلب آمرزش می‌کنند ذَكَرُوا: یاد می‌کنند يُصِرُّوا: اصرار می‌کنند

شأن نزول: داستان بهلول نباش

معاذ بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وارد شد در حالی که می‌گریست و به پیامبر عرض کرد: «ای رسول خدا جوانی زیبا روی و با طراوت بر در ایستاده و هم چون زن فرزندی مرده گریه می‌کند و اجازه ورود می‌طلبد». حضرت فرمود: او را آوردند و از او پرسید: «ای جوان علت گریه تو چیست؟»

جوان گفت: «چگونه نگریم در حالی که گناهای مرتکب شده‌ام که اگر خدا مرا به یکی از آن‌ها باز خواست کند طعمه آتش خواهم گشت».

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آیا گناه بزرگ را جز خدای بزرگ می‌آمزد؟»

جوان گفت: «نه به خدا ای رسول خدا» و سپس ساکت شد.

رسول خدا (ص) فرمود: «آیا می‌شود یکی از گناهانت را برایم بگویی»

گفت: «هفت سال نبش قبر می‌کردم کفن مردگان را می‌دزدیدم تا این که دختری از انصار مرد، شب آمدم و کفن او را بردم، شیطان وسوسه‌ام کرد و با جسد دختر هم بستر شدم. از آن مکان دور نشده بودم که آوازی شنیدم که می‌گوید: "ای جوان وای بر تو از آن کس که در روز حساب بین من و تو داوری کند"، وای به جوانیت از آتش».

پیامبر (ص) فرمود: «دور شو از من ای فاسق، می‌ترسم که من هم به آتش تو بسوزم»

جوان توشه‌ای برای خود برگرفت و به یکی از کوه‌های اطراف مدینه رفت و به عبادت مشغول شد، پوستی بر تن نمود دو دست خود را به گردن بست و فریاد بر آورد که:

«بار الها این بنده تو است که دست بسته به‌نزد تو آمده، خدایا اکنون از کرده‌ی خود پشیمانم، به خدمت پیامبرت رفتم او هم مرا از خود راند و خوف مرا بیشتر نمود. تو را به اسمت و جلالت و بزرگی سلطانت سوگند می‌دهم که امیدم را ناامید نسازی».

و پیوسته این سخنان بر لب داشت، پس از چهل روز به خداوند گفت: «بار الها اگر گناه مرا بخشیدی به پیامبرت وحی فرما، و اگر که آمرزیده نشده‌ام پس آتشی بفرست تا مرا بسوزاند، و از فضیحت و رسوائی روز قیامت مرا نجات ده».

ذات اقدس حق آیات ۱۳۵ و ۱۳۶ آل عمران را بر پیامبر نازل کرد.

پیامبر و اصحاب جوان را یافته و دیدند که می‌گوید: «ای سید من کاش می‌دانستم آیا گناهان مرا می‌آمزد، یا این که مرا به واسطه آن‌ها در قیامت رسوا و مفتضح خواهی ساخت».

رسول خدا فرمود: «بشارت باد تو را که تو از آزاد شدگان از آتش هستی».

تفسیر آیه (تفسیر نمونه)

۱- در آیه اشاره به صفتی از پرهیزکاران شده که: «آن‌ها اگر مرتکب گناهی شوند به زودی به یاد خدا می‌افتند و توبه می‌کنند و هیچ‌گاه اصرار بر گناه نمی‌ورزند».

از تعبیر آیه چنین استفاده می‌شود که: انسان آن‌گاه مرتکب گناه می‌شود که به کلی خدا را فراموش کند، اما این فراموشکاری در افراد پرهیزگار دیری نمی‌پاید، به زودی به یاد خدا می‌افتند و گذشته را جبران می‌کنند، آن‌ها احساس می‌کنند که هیچ پناهگاهی جز خدا ندارند و تنها باید آمرزش گناهان خویش را از او بخواهند:

«وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ - کیست جز خدا که گناهان را ببخشد».

۲- در پایان آیه برای تاکید می‌گوید: «وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ - آن‌ها هرگز با علم و آگاهی بر گناه خویش اصرار نمی‌ورزند و تکرار گناه نمی‌کنند».

۳- باید توجه داشت که در آیه علاوه بر عنوان فاحشه، ظلم بر خویشان نیز ذکر شده «أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» و فرق میان این دو ممکن است این باشد که فاحشه اشاره به گناهان کبیره است و ظلم بر خویشان اشاره به گناهان صغیره.

۴- امام باقر علیه السلام فرمود: «اصرار بر گناه این است که انسان گناهی کند و دنبال آن استغفار ننماید و در فکر توبه نباشد این است اصرار بر گناه».

۵- امام صادق علیه السلام نیز فرمود: لَا صَغِيرَةً مَعَ الْإِصْرَارِ وَ لَا كَبِيرَةً مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ «هیچ گناهی (هر قدر هم که کوچک باشد) با اصرار در ارتکابش صغیره نیست، و هیچ گناهی هر قدر هم که بزرگ باشد با استغفار از آن کبیره نیست».

نتیجه هم اندیشی شیاطین: تأخیر توبه

هنگامی که آیه فوق نازل شد و گناهکاران توبه‌کار را به آمرزش الهی نوید داد ابلیس سخت ناراحت شد، و تمام یاران خود را با صدای بلند به تشکیل انجمنی دعوت کرد آن‌ها از وی علت این دعوت را پرسیدند، او از نزول این آیه اظهار نگرانی کرد، یکی از یاران او گفت: من با دعوت انسان‌ها به - این گناه و آن گناه تاثیر این آیه را خنثی می‌کنم، ابلیس پیشنهاد او را نپذیرفت، دیگری نیز پیشنهادی شبیه آن کرد که آن‌هم پذیرفته نشد، در این میان شیطانی کهنه کار به نام «وسواس خناس»! گفت: «من مشکل را حل می‌کنم».